

نوع مقاله: پژوهشی

مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله جوادی آملی*

مجید حیدری فر / استاد سطح عالی و خارج حوزه علمیه قم

dr.mheidarifar313@yahoo.com  orcid.org/0002_0002_6606_1880

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

چکیده

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به شخصیت، مکتب و آثار تفسیری آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از مفسران بنام حوزه علمیه قم در سده چهاردهم شمسی می‌پردازد. مقاله با کاویدن جنبه‌های مختلف مکتب تفسیری ایشان از طریق تحلیل مبانی، قواعد، روش و منابع تفسیری و بیان ویژگی‌های کتاب تسنیم، اثر مهم تفسیری وی، جایگاه و منزلت تفسیری او را در میان مفسران سده اخیر نشان می‌دهد و تأثیر علمی او را در زمینه تفسیر بر نسل فعلی حوزویان و طالبان معارف قرآن اجمالاً می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استاد آیت‌الله جوادی آملی ضمن تسلط بر علوم عقلی و نقلی، یکی از مفسران برجسته و توفیق‌مند معاصر حوزه قم است که با تأسی به سیره علامه طباطبائی در جهت مهجوریت‌زدائی از ساحت قرآن، با برگزاری درس تفسیر قرآن و ارائه نوآوری‌هایی در عرصه مبانی و روش تفسیر و نیز در برداشتهای متنق و بدیع از محتوای آیات همراه با بیان اشارات و لطایف قرآن، معارف و آموزه‌های این کتاب الهی را به نحو احسن به جامعه علمی عرضه کرده است. خلق تفسیر عظیم تسنیم با ویژگی‌های ممتاز و مجلدات پر تعداد و تفسیر موضوعی قرآن شاهدهی بر این حقیقت و نمایانگر خلاقیت‌های علمی استاد و آئینه شخصیت و مقام او در این زمینه است.

کلیدواژه‌ها: عبدالله جوادی، شخصیت تفسیری جوادی آملی، روش‌شناسی تفسیر، مبادی و منابع تفسیر، مبانی و قواعد تفسیر، مفسران سده چهاردهم، حوزه علمیه قم.

استاد فرهیخته آیت‌الله جوادی‌آملی از دانشمندان بنام و مفسران ژرف‌اندیش قرآن مجید در دوران معاصر است. او در پرتو به کارگیری استعداد خدادادی و تلاش بسیار در بهره‌مندی از استادان برجسته، به جامعیت علوم عقلی و نقلی دست یافت و شاگردان فراوانی را در مکتب خودش پروراند و ده‌ها اثر علمی به مشتاقان عرضه کرد. **تفسیر تسنیم** و **تفسیر موضوعی قرآن** مهم‌ترین اثر ایشان در حوزه علوم نقلی است. وی در تفسیر از خرمن پرفضیلت استادانی چون علامه طباطبائی^۱ بهره‌مند شد و با اهتمام فراوان به حفظ سیره و توسعه و تحکیم سنت استادانش، به ویژه علامه طباطبائی مبنی بر مهجوریت زدائی از ساحت قرآن حکیم و معارف بی‌مانند آن، کرسی رسمی تفسیر را در حوزه علمیه قم دائر کرد. از این رهگذر، اندکی از مهجوریت قرآن کاست و بدان رونق بخشید و جان طالبان معارف ناب را سیراب کرد و شیفتگان کتاب الاهی را گرد شمع وجودی خویش گرد آورد و حلقه‌های تفسیری کوچک و بزرگ در حوزه تشکیل شد. بیان شیوا و دلنشین، محتوای متعالی و نوآوری‌های ایشان در عرصه علوم قرآن چه در روش، مبادی، منابع، مبانی و قواعد تفسیر و نیز معارف قرآنی، دل‌های شیدایان آموزه‌های قرآن مجید را سوی خودش جلب کرد. در سده اخیر، سلوک علمی و عملی استاد، در بالندگی استادان و رویکرد دانش‌اندوزان حوزه علمیه قم به معارف قرآن، تأثیر بسزائی داشته و دارد.

این مقاله شخصیت تفسیری استاد آیت‌الله جوادی را از خلال توصیف و بررسی مکتب تفسیری ایشان و نیز تحلیل اجمالی دستاوردهای فکری تفسیری وی، یعنی دو اثر گرانسنگ و پربرگ «تسنیم در تفسیر قرآن کریم» و «تفسیر موضوعی قرآن» پی می‌گیرد و زوایا و برجستگی علمی استاد را در این زمینه به تصویر می‌کشد.

تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد اثر یا پژوهشی با این ویژگی‌ها تاکنون ارائه نشده است جز یک مقاله با عنوان «مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی» (رک: مدبر، ۱۳۹۶) که مبانی، روش و گرایش تفسیری آیت‌الله جوادی‌آملی را مورد بحث قرار داده و ویژگی‌های تفسیر تسنیم را بر شمرده است و ما در نوشتن مقاله حاضر کمابیش از آن سود برده‌ایم اما مقاله یادشده رو به اختصار و اجمال دارد و همه وجوه مبانی و روش استاد جوادی آملی را نکاویده است. آثار دیگری هم در باره شخصیت تفسیری ایشان یافت شد که نوعاً به صورت اجمالی به جنبه‌ای از جنبه‌های مکتب تفسیری استاد جوادی آن هم به صورت محدود اشاره دارند؛ از جمله این آثار می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد: مقاله «اصول روش تفسیری آیت‌الله جوادی آملی» (شجریان، ۱۳۹۶) به تعدادی از مبانی تفسیری استاد پرداخته است. «روش تفسیری قرآن به قرآن در آراء آیت‌الله جوادی آملی» (تفضلی و معارف، ۱۳۹۷) صرفاً به اجمال به روش تفسیری آیت‌الله جوادی بحث شده است. مقاله «نقش پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی آملی» (حاجی اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۴) نیز بعضی از مبانی تفسیری استاد جوادی را اجمالاً ورود کرده است.

شخصیت تفسیری استاد جوادی در یک نگاه کلی

اثر هر مؤلفی می‌تواند آینه صفات و ملکات او باشد. آثار آیت‌الله جوادی آملی به‌ویژه تفسیر تسنیم نیز مظهر مکارم مفسر بزرگوار آن است که او را بسان الگوئی توفیق‌مند برای رهپویان معارف الهی قرار داده است. اکنون به برخی برجستگی‌های ایشان اشاره می‌شود:

۱. آزاد اندیشی؛ این خصلت استاد را در نقد و ارزیابی اندیشه‌های تفسیری استوانه‌های بزرگی مانند طبری (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۲۶۹؛ ج ۱۳، ص ۵۹۸) و شیخ طوسی (همان، ج ۱۳، ص ۲۸۵؛ ج ۱۴، ص ۶۵۴ و ج ۱۵، ص ۴۷۳) و سید محمود آلوسی (همان، ج ۱۴، ص ۴۶۷) و قرطبی (همان، ج ۱۴، ص ۴۲۶) و زمخشری (همان، ج ۱۵، ص ۴۷۳) و فخر رازی (همان، ج ۱۳، ص ۲۸۴؛ ج ۱۴، ص ۱۸۵ و ج ۱۵، ص ۲۲۸) و صدرالمآلهین شیرازی (همان، ج ۲، ص ۱۰۱) و محمد عبده (همان، ج ۱۰، ص ۳۸۹؛ ج ۱۴، ص ۱۶۷ و ج ۱۵، ص ۱۰۲) و علامه بلاغی (همان، ج ۱۳، ص ۵۷۳ و ج ۱۵، ص ۹۷) و علامه طباطبائی (همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ج ۳، ص ۹۲ و ج ۹، ص ۳۴۷) می‌توان مشاهده کرد.

۲. کلان‌نگری؛ جامعیت علمی و بهره‌مندی فراوان ایشان از علوم گوناگون اسلامی، به ویژه تفسیر و حدیث سبب شده در بررسی مسائل علمی از یکسونگری پرهیز کند و با نگاهی جامع به ارزیابی و تحلیل بپردازد.

۳. روشمندی در استنباط؛ از بزرگ‌ترین شاخص‌های پژوهشی و آموزشی استاد «روشمندی» است. در تسنیم بدون دخالت دادن ذوق و سلیقه خود یا دیگران و پرداختن به استحسانات عقلی و عرفی، با پابندی به ضوابط درست شناخت معارف قرآن، به تفسیر آن می‌پردازد.

۴. مخاطب‌محوری در مقام تعلیم؛ مراد از این ویژگی، توجه به نیازهای علمی و سطح فهم و اندیشه مخاطبان و میدان دادن به پرسش‌ها و نقدهای آنان است. این شاخص از علل حجیم شدن برخی آثار ایشان مانند تسنیم است؛ چنانکه المیزان نخست در دو جلد تدوین شده بود و پس از حضور شاگردان فهیم و سختکوشی چون شهید آیت‌الله مطهری و آیت‌الله مصباح و آیت‌الله جوادی و... در محضر علمی علامه طباطبائی^ع به بیست جلد گسترش یافت.

۵. قدرشناسی از استادان و پیشگامان؛ آیت‌الله جوادی در جای جای آثار خود از پیشگامان دانش‌های گوناگون اسلامی، به ویژه تفسیر و علوم قرآن و میراث گرانقدر آنان قدردانی و بارها از استادش علامه طباطبائی^ع به عظمت یاد کرده است.

۶. برخورداری از اخلاق متعالی و کریمانه علمی ایشان را در جایگاه یکی از استادان کم‌نظیر جهان اسلام قرار داده است. به نحوی که سازمان آموزشی و علمی و فرهنگی سازمان کنفرانس اسلامی (آیسیسکو) در پیام خود به مناسبت برگزیده شدن تفسیر تسنیم با عنوان «تحقیق برتر در عرصه مطالعات اسلامی و قرآنی» در سال ۱۳۸۵ خورشیدی خطاب به ایشان با عنوان «حکیم متأله، فقیه و مفسر برجسته و گرانقدر» چنین آورده‌اند: «اثر برجسته جناب عالی در تفسیر قرآن کریم «تسنیم» با عنوان تحقیق برتر در عرصه مطالعات اسلامی و قرآنی

انتخاب گردیده است و به پاس سال‌ها بهره‌مندی متفکران جهان اسلام از اندیشه‌های بلند و بینش و دانش وسیع حضرت عالی به ویژه در زمینه تفسیر قرآن کریم که بخشی از آن در تفسیر شایسته فوق تجلی یافته است.»

مکتب تفسیری استاد جوادی آملی

دو مصطلح قرآن‌پژوهی «مدرسه تفسیری» یا «مکتب تفسیری» بیانگر شاخص‌ها و شخصیت تفسیری یک مفسر است. «روش‌شناسی تفسیر قرآن» نیز تعبیری نوپیدا به شمار می‌آید و در نظر نگارنده هر دو تعبیر، به چند زیر شاخه نظر دارند: تشریح مبانی و قواعد و منابع و ابزار و مراحل تفسیر و روشن ساختن گرایشی که مفسر در عملیات تفسیر و کشف مراد الهی از آن بهره می‌برد.

در بررسی مدرسه تفسیری استاد، به گزارش اجمالی از نوآوری‌های ایشان در تبیین «مبانی و منابع و روش و ابزار و مراحل و گرایش تفسیری» و «سیمای ساختاری و بافتاری تفسیر تسنیم» و تمایز آن با دیگر تفاسیر سده اخیر می‌پردازیم (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱).

یکم. مبانی و قواعد تفسیر

مبانی جمع مینا در لغت به معناب پایه و اساس است و به پیش‌پژوهش‌های نظری و زیرساخت‌های فکری مفسر (هست و نیست‌ها) و قواعد جمع قاعده به ضوابط و روساخت‌های اجرائی (بایدها و نبایدها) در تفسیر گفته می‌شود، پس مبانی خاستگاه تولید قواعد به شمار می‌آیند و چندین زیرشاخه دارند: «مبانی هستی‌شناختی و زبان‌شناختی و معرفت‌شناختی و روش‌شناختی و گفتمان‌شناختی و زیبایی‌شناختی».

۱. مبانی صدوری و هستی‌شناختی و قواعد برآمده از آن‌ها

اگر قرآن را از نگره هستی‌مندی مقدس و پدیده‌ای آسمانی بنگریم، در آثار استاد با این نمونه از مبانی روبه‌رو هستیم:

الف. وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن

قرآن حکیم، سخن خدای سبحان است و همه الفاظ و معانی، ساختار و بافتار آن وحیانی است. نقش رسول خدا ﷺ فقط تبلیغ و تعلیم و تبیین آن است، پس قرآن «الهیُّ الإیجاد و محمدیُّ الإِبلاغ» است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۸-۱۷۸ و ۲۷۲).

ب. سلامت قرآن از تحریف

برپایه ادله عقلی و نقلی معتبر، قرآن از هرگونه تحریف (زیادت و نقص) مصون است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۲). افزون بر تسنیم، استاد در اثر مستقلی به نام نزهت قرآن از تحریف، مفضلاً تحریف ناپذیری قرآن را ثابت کرده و به شهرهات مرتبط پاسخ داده است (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۹-۹۸). برای نمونه، کتاب تحریف شده اعتبار و حجیت ندارد و نمی‌تواند منبع معارف دین‌جاودانی و جهان‌شمول اسلام و عامل هدایت بشر تا رستاخیز بوده و معیار سعادت

ابدی انسان و میزان و معیاری برای ارزیابی روایات معصومان علیهم السلام قرار گیرد (همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۶ و مدبر، ۱۳۹۶ ص ۷-۸).

ج. جامعیت و جاودانگی و جهان شمولی

قرآن مجید کتابی است فراگیر در این سه عرصه: به دیده مخاطب= عوام و خواص؛ از منظر قلمرو = اندیشه و اخلاق و احکام؛ از نگره نیازهای هدایتی انسان تا روز قیامت= مادی و معنوی، دنیائی و آخرتی: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱-۳۴). همچنین کتابی فرازمانی و فرازمینی، فراشخصی و فراگروهی، همیشگی و همگانی است. رسالت هدایت همه انسان‌ها را در تمامی زمان‌ها و زمین‌ها برعهده دارد و پاسخگوی همه نیازهای آنان است. آیاتی که به مناسبت رویدادهای خاصی فرود آمده‌اند، در انحصار موارد نزول خود نیستند؛ بلکه در آینده همانند گذشته، جریان و سریان دارند و «مورد نزول» جز آیاتی اندک، مختص آن نیست. در عرف روایات، از این ویژگی به «جبری» (جاری بودن احکام قرآن در همه عصرها و نسل‌ها) یاد شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۹ و ۲۳۳-۲۳۴).

از مبانی پیش گفته، قواعد زیر استنباط می‌شود:

۱. لزوم اعتماد به وحی‌انیت قرآن و قداست آن؛
۲. لزوم اعتماد به قرائت نبوی و مقبول معصومان؛
۳. لزوم اعتماد به ساختارچیدمانی آیات در سوره‌ها؛
۴. روانی و بایستگی استنباط و اجتهاد با استناد به متن قرآن؛
۵. جواز استناد به معانی واژگان و عبارات قرآن در کشف مراد الاهی؛
۶. لزوم کشف و استخراج آموزه‌های قرآنی در سطوح مختلف مخاطبان و همه نیازمندی‌های آنان؛
۷. لزوم عمل به فراگیری خطابات قرآنی به غائبان و معدومان و کافران؛
۸. لزوم اعتماد به اطلاق وارد، نه خصوصیت مورد؛
۹. لزوم کشف آموزه‌های بینشی و گرایشی و کنشی قرآن.

۲. مبانی دلالی و زبان شناختی و قواعد برآمده از آن‌ها

اگر قرآن را در قالب یک متن گفتاری بنگریم، باید در کشف مراد از آن، مبانی مشترک و مختصی را بپذیریم. برای نمونه چند عنوان را برمی‌شماریم:

الف. امکان فهم‌پذیری همگانی

سخنی در قرآن نیست که انسان‌های متعارف از درک آن ناتوان باشند؛ هرچند آیاتی دارد که فقط اندکی به ژرفای آن دست می‌یابند؛ مانند سوره اخلاص و آیات آغازین سوره حدید و آیه بیانگر برهان تمناع: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا

الله لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء: ۲۲). راز سازگاری در این است که قرآن حکیم، محتوای عمیق همان آیات را در قالب تمثیل و داستان بیان می‌کند تا در دسترس فهم همگان قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲، ۳۶، ۳۸، ۷۳، ۹۰؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۸؛ همو، ۱۳۹۸، ص ۷۴؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۹).

ب. حجیت ظهور تفکیکی و ترکیبی (کلمات و جملات)

قرآن در دلالت بر محتوای خودش حجت مستقل است و حجیت ظواهر آن با ادله گوناگون ثابت شده و سخن برخی اخباریان درباره حجت نبودن ظواهر قرآن درست نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸)، چون نور و تیبان بودن قرآن همگانی است و به معصومان علیهم‌السلام اختصاص ندارد. از سوی دیگر، این سخن در ستیز با آیاتی است که همگان را به تدبّر و تحدی و تعقل و تفکر فراخوانده است؛ هرچند به یقین فهم دقیق و عمیق معارف کتاب مکنون، ویژه مفسران راستین، اهل بیت رسالت است و تنها پاکان به آن دسترسی دارند (همان، ص ۸۹؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۵).

ج. استقلال دلالتی نسبی

بر پایه نظر استاد، قرآن مجید در ارائه خطوط کلی دین مستقل است و به هیچ چیز دیگر نیاز ندارد، پس دلیل مستقل به شمار می‌رود؛ هرچند حجت منحصر نیست و رهیافت‌های قرآنی پیش از جستار در روایات مفسران راستین قرآن یعنی اهل بیت رسالت برای اعتقاد و عمل صلاحیت ندارند (همان، ص ۱۵۹-۱۶۲؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۹).

د. امکان کاربست زبان دوم (مجاز و تمثیل و استعاره)

اصل در ادبیات نوشتاری و گفتاری، رعایت مرزهای حقیقت است؛ لیکن گاه کاربست مجاز و تمثیل و استعاره سبب آسان‌یابی فهم و گویائی متن و زیبایی آن می‌گردد. این گونه هنرنمایی و کاربردهای زبان دوم و دلنشین کنایات، در قرآن بسیار دیده می‌شود (حیدری فر، ۱۳۹۴، ص ۸۰-۱۲۰).

ه. امکان تغییر ساختار سخن

یکی از ابزار شکار گوش و هوش شنونده، ایجاد تغییر در آهنگ یا چیدمان سخن با هدف تأکید بر آن است. در اصطلاح قرآن‌پژوهی از این صنعت به التفات یاد می‌شود (از حاضر به غائب یا متکلم یا بالعکس) که در المیزان و تسنیم به کرات و مرآت از آن نام برده شده است.

و. امکان روشنگری آیات نسبت به یکدیگر

بر پایه رهیافت عقل مصباحی، هر نویسنده یا سخنوری می‌تواند برای تفهیم دقیق مرادات خود، به گونه متصل و پیوسته یا منفصل و گسسته، از قرائن و شواهدی مدد بگیرد. این امکان در سخنان وحیانی خدای سبحان نیز جریان دارد و روش تفسیری قرآن با قرآن بهترین ارمغان آن است.

بر اساس مبانی پیش گفته، قواعد زیر استنباط می‌شود:

۱. لزوم پرداختن به فهم و کشف مرادات الهی از آیات؛
۲. بایستگی اخذ به ظهور کلمات و جملات (قاعده سباق و سیاق)؛
۳. لزوم تبیین آیات مجمل؛
۴. لزوم تأویل آیات متشابه؛
۵. لزوم استخراج معانی ظاهری و باطنی؛
۶. لزوم کشف زبان دوم و مفاد مجازات و تمثیلات و تشبیهات و کنایات قرآن؛
۷. لزوم کشف چرایی (ادله) التفات و جابه‌جائی ساختاری سخن (حکمت تقدیم و تأخیر)؛
۸. لزوم کشف چرایی (فوائد) تغییرات ساختاری سخن؛
۹. لزوم توجه به قرائن متصل و منفصل.

۳. مبانی علمی و معرفت‌شناختی و قواعد برآمده از آنها

اگر قرآن را از زاویه علمی و ماهیت آموزه‌های معرفتی آن بنگریم، با این مبانی رو به رو می‌شویم:

الف. امکان و ضرورت تفسیر قرآن

متن قرآن مبهم و معماگونه نیست تا تفسیرپذیر نباشد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۳۸؛ ص ۸۸). امام باقر^ع فرمود: «هر کس قرآن را مبهم بیندارد، هم خودش را نابود کرده است، هم دیگران را.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۹۰) همچنین معارف قرآن بدیهی نیستند تا نیاز به تفسیر نداشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۲-۵۴) «نور بودن قرآن» (نساء: ۱۷۴؛ مائده: ۱۵) در برابر تیرگی ابهام است نه ژرفائی، پس نور بودنش به معنای بدهت و بی‌نیازی از تفسیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۶). قرآن در عین نور بودن، دربردارنده معارف بلندی است که ضرورت تفسیر آن را آشکار می‌کند (همان، ص ۵۲-۵۴).

استاد بزرگوار دیدگاه افراطی (برای اثبات انحصار حجیت در روایات و رویگردانی از قرآن، آن را بی‌زبان و آبکم^۱ پنداشتن و جز معماهای نامفهوم چیزی برای آن باقی نگذاشتن یا زبان آن را رمز محض به معارف باطنی پنداشتن که جز اندکی، به آن دسترسی ندارند) و تفریطی (صرف دانستن عربی را برای فهم قرآن کافی انگاشتن و افراد عادی را برای فهم معانی قرآن صالح پنداشتن و نیاز به علم تفسیر را منکر شدند) را نمی‌پذیرد و به دیدگاه اعتدالی معتقد است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۳۸).

ب. لایه‌ها و سایه‌های معنایی

قرآن حکیم کتاب اندر کتاب و هستی‌مندی برخوردار از باطن و حقیقت وجودی نوری و فرامادی است: (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ

کَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه: ۷۷-۷۸). افزون بر معانی ظاهری، سایه‌های نامحسوس و لایه‌های باطنی نیز دارد که از آن به «حقائق» یاد و در روایات معصومان علیهم‌السلام ظاهر و باطن داشتن قرآن بیان شده است.

عن جابر قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن شيء في تفسير القرآن فأجابني، ثم سألته ثانية فأجابني بجواب آخر، فقلت: جعلت فداك، كنت أجت في هذه المسألة بجواب غير هذا قبل اليوم؟! فقال لي: «يا جابر، إن للقرآن بطناً وللبطن بطناً وظهراً وللظهر ظهراً؛ يا جابر! وليس شيء أبعد من عقول الرجال من تفسير القرآن، إن الآية ليكون أولها في شيء وأوسطها في شيء وآخرها في شيء وهو كلام متصل يتصرف على وجوده». تفسير القمي، ج ۱، ص ۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۹۴-۹۵.

معانی ظاهری نیز خود دارای سطوح سه گانه طولی «عبارات» و «اشارات» و «لطائف» اند. برپایه برخی روایات، عبارات قرآن که نازل‌ترین سطح معنایی قرآن است، بهره توده مردم است و اشاراتش سهم دانشمندان و لطائف آن حظ اولیای الهی و حقائقش نصیب معصومان علیهم‌السلام: «كتاب الله على أربعة أشياء: على العبارة والإشارة واللطف والحقائق، فالعبارة للعوام والإشارة للخواص واللطف للأولياء والحقائق للأنبياء.» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ص ۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۷۷). هدایت قرآن عمومی است؛ لیکن همگان توفیق بهره‌گیری از همه مراتب آن را ندارند، زیرا اموری مانند تقلید باطل از گذشتگان و گناه و عناد ملحدانه، قفل‌های قلب و مانع تدبیر و بهره‌وری بهینه از قرآن هستند: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) (محمد، ۲۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷-۳۸؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰-۳۱؛ همو، ۱۳۹۸، ص ۷۷).

ج. هماهنگی معانی باطنی با معارف ظاهری

همان‌گونه که معانی ظاهری قرآن با یکدیگر هماهنگ‌اند، معانی باطنی آن نیز با هم سر سازگاری دارند؛ چنانکه پیوند هر ظاهر با باطن برتر از خودش محفوظ است. براین اساس، همان‌گونه که با روش تفسیر قرآن با قرآن می‌توان از راه پیوست ظهورات به یکدیگر، معارف عام قرآن را دریافت، از انضمام باطن‌ها به یکدیگر نیز راه دستیابی به معارف خاص آن گشوده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۸؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۶-۹۷؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۰).

د. تعمیم ابزار شناخت به فراتر از حس و تجربه (امکان استدلال‌های عقلی)

پذیرش اندیشه گسترش ابزار فهم و شناخت حقائق هستی به بیش‌تر از حواس انسان (بینائی و شنوائی و چشائی و بساوائی و بویائی) و استناد به رهیافت‌های عقلی از مبانی معرفت‌شناختی تفسیر قرآن به شمار می‌رود. به فرموده استاد، از کارکردهای سه گانه عقل (مفتاحی و مصباحی و میزانی یا برهانی) نوع دوم و سوم در تفسیر قرآن جریان دارد و روش تفسیر عقلی در گونه سوم تجلی می‌یابد.

به باور علامه جوادی، عقل برهانی از منابع علم تفسیر برای دستیابی معارف قرآنی است؛ همان قوه‌ای که با اصول ضروری و علوم متعارف خویش، اصل وجود مبدأ و معاد و نبوت و اسما و صفات خدا را ثابت می‌کند. اگر عقل با شرائط ویژه برهان بیندیشد و گرفتار وهم و خیال و مغالطه نشود، رسول باطنی خداست و رهاوردش حجت الاهی است. عقل در تفسیر قرآن گاه چونان مصباح (چراغ) عمل می‌کند؛ یعنی با تأمل در شواهد داخلی و خارجی آیه، معنای آن را در می‌یابد که این، گونه‌ای از تفسیر نقلی به شمار می‌رود، نه تفسیر عقلی، زیرا با تدبر در منابع نقلی به دست آمده است. گاه نیز عقل در تفسیر قرآن منبع معرفتی است؛ یعنی برخی مبادی تصویری و تصدیقی، استدلالی تفسیری از منبع ذاتی عقل برهانی استنباط می‌شوند که در اصطلاح تفسیر قرآن با عقل است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰).

آری عقل برهانی از گزند مغالطه و آسیب وهم و خیال ایمن است و در استنباط معارف دینی از قرآن کریم با عنوان حجت الاهی حضوری مؤثر دارد؛ اعم از مرحله استنباط از خصوص یک آیه یا مجموع قرآن. براین اساس، عقل در حکم دلیل لیبی برای کلام خداست؛ هرچند معارف مستفاد از متون نقلی -مانند قرآن- گوناگون‌اند و عقل هر بخش داوری ویژه‌ای دارد (همان، ص ۱۶۲).

۵. تأثیرناپذیری از فرهنگ زمانه

قرآن حکیم به لسان قوم و فرهنگ متناسب با زمان و زمین نازل شده است؛ یعنی خدای مئان با توجه به آداب و رسوم و ادبیات مخاطبان به هدایتگری مردم می‌پردازد. برای نمونه در دعوت به توحید ربوبی، از مطالعه آفاقی در آفرینش صحرا و دریا و کوه‌های بلند و شتر... (نه از جنگل و حیوانات آن مانند ببر و پلنگ و کانگورو...) سخن می‌گوید که برای مخاطبان نخستین، امری محسوس و ملموس بود؛ لیکن هرگز دچار فرهنگ شرک آلود و خرافاتی زمانه خود نشد.

بر اساس مبانی پیش‌گفته، قواعد زیر استنباط می‌شود:

۱. لزوم کشف معانی ظاهری آیات؛
۲. بایستگی جستار از معانی باطنی و معارف عمیق و دقیق قرآن؛
۳. لزوم پرهیز از معانی تأویلی ناهمگون با ظواهر آیات؛
۴. بایستگی بهره‌وری از رهیافت‌های عقل برهانی در کشف مرادات الاهی؛
۳. لزوم تبیین آیات مجمل؛
۴. لزوم تأویل آیات متشابه؛
۵. لزوم جداسازی تنزیل از تأویل؛
۶. پرهیز از تطبیق واژگان و جملات قرآن به معانی و مصادیق محدود دوران جاهلی.

۴. مبانی بیانی یا گفتمان شناختی

قرآن حکیم که پدیده کلامی خدای حکیم به شمار می‌آید، در بیان آموزه‌های خویش شیوه خاصی دارد. در این زمینه مبانی و قواعد پیش رو در آثار استاد به چشم می‌خورد:

۱. بیان مسائل عمیق علمی در قالب مثل: لزوم کشف پیام‌های مثل‌های قرآنی؛
۲. بیان ارزش‌های اخلاقی همراه با یادکرد منافع و مضار، نیز الگوهای ملموس و محسوس: لزوم تبیین منافع و مضار آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و کشف الگوهای تربیت فردی و اجتماعی؛
۳. بیان احکام فقهی و حقوقی همراه با یادکرد نتایج و پیامدهای مثبت و منفی: لزوم کشف ابیدها و نیایدهای فقهی و حقوقی، لزوم تبیین و تحلیل پیامدهای احکام فقهی و حقوقی؛
۴. بیان اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی همراه با یادکرد انذار و تبشیر: لزوم کشف انذارها و تبشیرهای قرآنی؛
۵. بیان گزارش‌های تاریخی همراه با یادکرد پیام‌ها و پندها، نیز پرهیز از جزئیات مگر هنگام شبهه‌زدائی: لزوم کشف پیام‌ها و پندها، پرهیز از پرداختن به جزئیات ناسودمند؛
۶. بیان ویژگی‌های جهان هستی همراه با اشارات علم تجربی: لزوم کشف اشارات علم تجربی قرآن؛
۷. بیان افکار درگاندیشان و ابطال آن‌ها همراه با ادب و احترام: لزوم ادب در بیان اندیشه‌های مخالفان؛
۸. گزارش سخنان دیگران با دآوری درباره حق یا باطل بودن آن‌ها: لزوم کشف درستی یا نادرستی سخنان منقول از دیگران در قرآن.

دوم. منابع و روش تفسیری استاد

بر پایه یافته‌های ما از بیان و بنان استاد در سراسر تسنیم و تفاسیر موضوعی، عمده منابع تفسیر سه چیز است: آیات قرآن و روایات مفسران اصیل آن یعنی اهل بیت رسالت علیهم‌السلام و عقل برهانی (عقل تجریدی و عقل تجربی)؛ یعنی برای فهم و کشف مراد جدی خدای سبحان از آیات قرآن، فقط باید از سه عنصر پیش مدد جست و به استناد آن‌ها به تفسیر روی آورد؛ هرچند گاه متواترات تاریخی یا قطعیات علوم تجربی نیز می‌تواند مستند کشف باشد.

«منهج یا روش تفسیری» پیوند تنگاتنگی با «منابع» دارد. بر این پایه، عنصر تعیین کننده در روش، منابعی است که مفسر از آن‌ها بهره می‌برد. بر پایه مباحث پیش گفته در منابع تفسیری از نگره استاد، روش‌های تفسیر چهار گونه دارد: قرآن با عقل؛ قرآن با قرآن؛ قرآن با روایات؛ قرآن با هر سه که نوع اخیر جامع اجتهادی نامیده می‌شود؛ یعنی مفسر بر اساس اجتهادش از منابع سه گانه در جایگاه خودش بهره می‌برد.

در این روش، مفسر با ژرف‌نگری هوشمندانه و دقت در شواهد درونی آیه و آیات دیگر، همچنین کاوش در قرائن بیرونی و روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام و استمداد از براهین عقلی به تفسیر قرآن می‌پردازد. روش تفسیری استاد از گونه جامع اجتهادی است؛ هرچند گسترده روش تفسیر قرآن با قرآن در تسنیم با دو روش دیگر قابل قیاس نیست.

۱. تفسیر قرآن با قرآن

از دیدگاه علامه جوادی آملی، آیات قرآن در ارائه معارف الهی، دو دسته‌اند: اصلی و فرعی؛ آیات فرعی به کمک آیات اصلی و محوری روشن می‌شوند (همان، ج ۱، ص ۶۱). قرآن نور و حجت مستقل است، پس می‌تواند مفسر خودش باشد. حجیت این شیوه تفسیر مانند حجیت قطع ذاتی است؛ هر چند معارف قرآن در حجیت همسان نیستند. برخی قطعی و حجت قطعی‌اند و بعضی ظنی و حجیت آن‌ها نیز ظنی است. در هر صورت، حجیت قرآن ذاتی است و در اعتبار خود وامدار چیزی نیست (همان، ج ۱، ص ۶۳-۶۴).

شایان بیان این که رهاورد تفسیر قرآن با قرآن پیش از فحص و بررسی دو منبع دیگر نمی‌تواند مبنای اعتقاد و اخلاق و عمل قرار گیرد (همان، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۲).

از دید استاد، نخستین و مهم‌ترین منبع تفسیری در کشف مراد جدی از آیات قرآن، خود قرآن است. مفسر برپایه آگاهی فراگیر از معارف قرآنی، هر آیه‌ای را با استمداد از آیات هم‌سو تفسیر می‌کند و اگر دلیل یا تأییدی از برخی آیات برای آیه نیافت، آن را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که با آیه دیگری ناسازگار نباشد و احتمالات ناسازگار با دیگر آیات را نمی‌پذیرد، چون با انسجام اعجاز‌آمیز قرآن حکیم در ستیز است. در پیشگفتار تسنیم اقسام دهگانه تفسیر قرآن با قرآن بیان و به شبهات مرتبط پاسخ داده شده است (همان، ص ۱۲۸-۱۳۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۲).

۲. تفسیر قرآن با سنت

تفسیر قرآن با استناد به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت رسالت علیهم السلام از روش‌های مقبول میان مفسران است. به باور استاد فرزانه، این شیوه تفسیری از بهترین راه‌های فهم قرآن و منابع مهم تفسیر به شمار می‌رود؛ لیکن در طول تفسیر قرآن با قرآن، نه در عرض آن، زیرا احادیث در دو جهت به قرآن وابسته‌اند:

الف. در تأمین اصل اعتبار؛ سخن اعجاز‌آمیز خدای سبحان حجیت ذاتی دارد، آنگاه به استناد آن، حقانیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ادعای رسالتش ثابت می‌شود، سپس سنت نبوی (اعم از قول و فعل و تقریر) به گونه مستقیم و سنت اهل بیت علیهم السلام به شکل نامستقیم و با بیان و رهنمودهای نبوی حجیت می‌یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۲).

ب. در تأیید محتوا؛ به گفته پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت رسالت علیهم السلام سخنان منسوب به آنان باید بر قرآن حکیم عرضه و در صورت موافقت یا عدم مخالفت تبیینی با آن پذیرفته شود (همان، ص ۷۹-۸۳)؛ هر چند سنت قطعی مانند قرآن مجید، میزان است نه موزون. روایات متواتر به دلیل قطع به صدور از معصوم صلی الله علیه و آله و یقین به جهت صدور حقیقی و تمامیت دلالت آن، از عرض بر قرآن بی‌نیاز است (همان، ص ۷۸-۸۲، ۱۳۹، ۱۴۱).

آری روایات تفسیری پس از کسب اصل حجیت (پس از تأیید محتوای آن‌ها بر اثر عدم مخالفت تبیینی با قرآن) و داشتن صلاحیت تفسیر سخنان خدا، در خدمت تفسیر قرآن قرار می‌گیرند؛ در رویارویی با یکی از احتمال‌های هم‌رتبه در معنای آیه، با بهره‌گیری از روایت معتبر تفسیری می‌توان احتمالی را ترجیح داد (همان، ص ۱۳۳).

حضرت استاد در تفسیر هر آیه از ادله و مؤیدات روایی بهره گرفته و آیه را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که با سنت قطعی معصومان علیهم‌السلام ناسازگار نباشد، زیرا تباین قرآن و سنت، به افتراق دو حبل الاهی می‌انجامد که بر پایه حدیث متواتر ثقلین، گسست‌ناپذیرند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۱۰۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۳-۱۴).

۳. تفسیر قرآن با عقل برهانی

در تفسیر تسنیم، عقل‌گرایی و اشراف بر مباحث عقلی مشهود است. در این دیدگاه، عقل رسول باطنی خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۸۹). به نظر استاد، در تفسیر آیه به صرف قطع به مطلبی، نمی‌توان از ظاهر یا نص متون دینی دست برداشت و بر خلاف آن حمل کرد؛ اگر قطع به مبدأ تصدیقی به ثبوت محمول برای موضوع به گونه ضروری بینجامد و انفکاک آن از موضوع مُحال باشد، می‌توان از ظاهر یا نص آیه یا روایت دست برداشت (همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹).

برای نمونه در ردّ نسبت نسیان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است: «با صعود روح به مقام تجرّد عقلی که جایگاه حضور و ظهور دائمی است و هرگز غفلت در آن راه ندارد، جایی برای نفوذ شیطان باقی نمی‌ماند. بر پایه این دلیل عقلی قاطع، اگر ظواهر نقلی بر خلاف آن باشد، باید توجیه شوند» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۵۸۶).

در نگاه استاد، قرآن حکیم براهین عقلی را ارج می‌نهد و از مخالفان و دگراندیشان نیز دلیل می‌طلبد و خودش نیز برای تبیین معارف الاهی، به ادله قطعی عقلی استناد می‌کند (همو، ۱۳۹۸، ص ۱۶۰-۱۶۱)، از این رو سند حجیت عقل به شمار می‌رود. عقل برهانی یا تجریدی، همان نیروئی است که اصل وجود مبدأ و معاد، وحی و نبوت و اسما و صفات خدا را ثابت می‌کند و رسول باطنی خدا و حجت الاهی است. بر این اساس، رهنمودهای عقل برهانی در همه زمینه‌ها، در دین‌شناسی و استنباط از قرآن حجت است و هرگز با قطع نظر از آن نمی‌توان به تفسیر قرآن پرداخت (همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۳، ۴۲۵).

عقل در تفسیر قرآن، گاه مانند «مصباح» عمل می‌کند؛ یعنی با تأمل در قرائن و شواهد درونی و بیرونی آیه، معنای آن را درمی‌یابد؛ این گونه تفسیر بی‌شک نقلی است نه عقلی، زیرا با تدبّر در منابع نقلی به دست آمده؛ هرچند کاشف آن عقل است. گاه نیز نقش «میزانی و منبع معرفتی» دارد؛ یعنی برخی مبادی تفسیر با استناد به عقل برهانی استنباط می‌شود؛ مانند تفسیر آیات بیانگر توحید ذاتی با استناد به برهان صرف الوجود. این شیوه «تفسیر قرآن با عقل» نام دارد (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰).

بر پایه اعتقاد به حجیت عقل، رهیافت اثباتی یا سلبی عقل برهانی، باید در تفسیر آیات رعایت شود؛ یعنی اگر در معنای آیه‌ای چند احتمال باشد و جز یک محتمل معین، دیگر احتمالات عقلاً منتفی گردد، باید به کمک عقل برهانی، آیه را فقط بر همان محتمل تفسیر کرد؛ نیز چنانچه آیه‌ای دارای چند محتمل و یکی از آن‌ها طبق عقل برهانی ممتنع باشد، باید محتمل ممتنع را نفی و آیه را بدون ترجیح (در صورت فقدان رجحان) بر یکی از محتمل‌های ممکن حمل کرد (همان، ص ۵۸۵-۵۸۷).

بی شک تعارض عقل قطعی با نقل یقینی هرگز ممکن نیست. بر این اساس، تعارض بدوی با دقت در مفاد هر دو از میان می‌رود؛ چنانکه دو دلیل عقلی قطعی یا دو دلیل نقلی یقینی هرگز معارض یکدیگر نیستند (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۵-۱۴).

۴. تفسیر قرآن با رهیافت علوم تجربی و تاریخی

از دیدگاه استاد، محصول علوم را نباید بر قرآن تحمیل کرد؛ لیکن شواهد اطمینان‌بخش تجربی و تاریخی به مفسر کمک می‌کند تا معارف و معانی دقیق‌تر و عمیق‌تری استنباط کند. رهیافت‌های علوم تجربی و تاریخی تنها می‌تواند قرینه و زمینه برای درک محتوای آیات بیانگر ویژگی‌های جهان مادی و مباحث تاریخی قرآن باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸).

هرگز نباید محتوای ظنی متون دینی را به شکل قطعی به حساب دین گذاشت و با برخی فرضیه‌های علمی موجود تطبیق کرد که در این صورت با تبدیل آن فرضیه، آموزه‌های دین در نظرها سست خواهد شد؛ چنانکه گروهی با تحمیل رهاورد هیئت بطلیموسی بر قرآن، به چنین وضع نامطلوبی گرفتار شدند (همان، ص ۱۵۸). تفسیر قرآن با دانش تجربی در خصوص آیات بیانگر نشانه‌های خدا در آفرینش نمود دارد؛ آسمان‌ها و زمین نخست «رتق» (بسته) بودند، سپس «فتق» (گشوده) شدند (انبیاء: ۳۰). این‌گونه معارف، نه «ثمره فقهی» دارند، نه «جزم علمی» در آن‌ها معتبر است.

همچنین آنچه از محتوای آن‌ها به شکل ظنی برداشت می‌شود، در همان محدوده گمان، قابل اسناد به دین است، نه بیش از آن. در اسناد مطلبی به مولا، مقدار فهم مستنبط و نصاب دلیلی که در دست و گونه یقینی که در دل دارد، همگی باید لحاظ شود؛ یعنی گاه اسناد قطعی (در صورت قطع) گاه ظنی (در حالت گمان) است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۴).

از سوی سوم، اگر نظر دانشمندان علوم طبیعی و تجربی درباره آن‌ها دگرگون شود (در صورت کشف بطلان گزاره‌های علوم تجربی) می‌توان درباره استنباط از متون دینی نیز تجدید نظر کرد، زیرا تبدل مسائل طبیعی مستفاد از ادله نقلی مانند تبدل مسائل فقهی مستنبط از آن است و تفاوتی از این جهت وجود ندارد و پایه‌های دین با این‌گونه تبدل رأی‌ها سست نمی‌شود (همان، ص ۱۷۴؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۵-۱۶).

به باور علامه جوادی آملی، در تفسیر قرآن باید به چهار نکته کلیدی توجه داشت:

۱. مفسر باید به غرر آیات سوره نگاهی ویژه داشته باشد و با تکیه بر آیات کلیدی که نسبت به دیگر آیات درخشش بیش‌تری دارند، قرآن را تفسیر کند. این‌گونه آیات، بیش‌تر بیانگر معارف توحیدی‌اند و قرآن حکیم باید برپایه آن‌ها تفسیر شود؛ یعنی با شناسایی و لحاظ آیات زیربنایی، هر احتمالی را که مخالف با آن‌ها باشد، باید باطل بداند و احتمالی را که به این آیات نزدیک‌تر باشد، باید ترجیح دهد، چون توحید زیربنای همه معارف دینی و پایه اخلاق و اعمال شایسته است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۰-۴۳۹).

۲. سیاق آیات، از عناصر مهم تفسیر قرآن به شمار می‌آید و اعتماد بر آن و تکیه بر شواهد درونی آیات، بر اساس نطق و شهادت و هموائی آن‌ها نسبت به یکدیگر (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، بند ۷؛ متقی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱۹ ح ۲۸۶) بر حدیث تفسیری مقدّم است؛ هرچند بهره‌گیری از سیاق، مشروط به احراز وحدت موضوع و وحدت نزول آیات است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۵؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۴).

۳. آرای مفسران غیرمعصوم، از منابع معتبر تفسیر قرآن نیست و تنها در قالب نظر علمی محترم است؛ چنانکه در علم فقه، فتاوی فقیهان برای فقیه مستنبط حجیت ندارد. در این زمینه میان مفسران پیشین مانند صحابیان و تابعیان با مفسران اعصار پسین و معاصران تفاوتی نیست، زیرا هیچ یک از آن‌ها معصوم نیستند تا کلام آنان حجت شرعی و منبع استنباط احکام و حکم شریعت باشد (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹).

۴. کشف و شهود عرفانی اهل معرفت نیز معیار تفسیر قرآن نیست و مشهود آنان، فقط در صورت انطباق با موازین قطعی دینی و اطمینان از صحت آن، از مصادیق آیه شمرده می‌شود، نه تفسیر مفهومی، نه محور منحصر آیه (اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۶-۱۷).

ابزار و مراحل تفسیر از منظر آیت‌الله جوادی

از نگاه استاد، مفسر قرآن در کشف مرادات الاهی باید از ابزار و توانمندی‌های زیر برخوردار باشد:

آشنائی با علوم ساختارشناختی قرآن

آشنائی با لغت و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و اشتقاق، نخستین شرط برای تفسیر قرآن است. عمومیت فهم قرآن بدین معنا نیست که هر کس، گرچه به قواعد ادبیات عرب و علوم مؤثر در فهم زبان قرآن آشنا نباشد، حق تدبّر و استنباط از قرآن را دارد و سرانجام می‌تواند به نتیجه فهم خویش استناد کند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹).

افزون بر توانمندی‌های ادبی، تحصیل علوم پایه ظرفیت فکری مفسّر را برای دریافت معارف قرآن گسترش می‌دهد. نور و تبیان بودن قرآن (استقلال در دلالت بر محتوای خود) و غنای محتوایی آن (از علوم بیرونی) اقتضا ندارد که مفسّر جاهلانه به قرآن رو کند و علوم پایه را نادیده بگیرد. مفسر نباید علوم و یافته‌های بشری را بر قرآن «تحمیل» کند؛ اما با آگاهی از دانش‌های گوناگون، می‌تواند زمینه دریافت آموزه‌های قرآنی را فراهم سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۸-۲۹). امیرمؤمنان علیه السلام دل‌ها را ظروف و بهترین آن‌ها را پر گنجایش‌ترین شناسانده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). به نوشته زرکشی، هر کس بهره‌اش از دانش‌ها فراوان‌تر باشد، نصیب او از علم قرآن افزون‌تر است (زرکشی، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۲۵).

رعایت ضوابط و پرهیز از تفسیر به رأی

کاربست دقیق قواعد و استفاده درست از منابع و پرهیز از تفسیر به رأی، نماد روشمندی مفسر است. براین اساس،

کلام الاهی را نمی‌توان بدون ضابطه تفسیر کرد و آن را به خدای سبحان نسبت داد. در حقیقت تفسیر به رأی، نوعی تحمیل نظر شخصی بر قرآن و تطبیق قرآن با رأی مفسر است، نه تفسیر قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۸ و ۱۳۱).

شناخت چگونگی پیشرفت زبان و توسعه مفهومی واژگان

تفسیر همه معارف قرآن تنها با دستمایه‌های متعارف (آشنائی با قواعد ادبیات عرب و علوم پایه مؤثر در فهم) شدنی نیست. جائی که ظرفیت زبان عربی متعارف، تاب مطروف عمیق و دقیق وحیانی را ندارد، باید به «صنعت ادبی وحیانی» روی آورد که خدای سبحان در کالبد واژگان عرب ریخته و سطح ادبیات را بالا برده است؛ یعنی افزون بر ترابری مفاهیم عرفی، به فرابری معانی پرداخته است. برای نمونه:

الف. الفاظ برای «ارواح و هسته معانی» یعنی برای «مفاهیم اساسی و عام» وضع شده‌اند، نه برای مصادیق خاص موجود؛ هرچند واضعان نخستین، برخی مراتب آن ارواح را ندانند و بر اثر جهل یا غفلت از مراحل عالی، معنا را در مصادیق خاص موجود منحصر بیندارند.

ب. بر فرض تنزل، اگر موضوع‌له همان مفاهیم متفاهم عرف عام باشد، کاربست آن‌ها در دیگر مصادیق یا تطبیق آن معنا بر مصادیق برتر، از باب توسعه مفهومی، عرضی یا طولی (حقیقی یا مجازی) خواهد بود. استاد از این مهم به «نکته حساس و شایان اهتمام در تفسیر» یاد کرده و بر این باور است که گاه تکیه بر خصوص قواعد زبان عربی و جمود بر مصادیق مادی واژگان، برای رسیدن به مراد خدای علام در تفسیر آیات قرآن، سبب سقوط در هلاکتگاه تفسیر به رأی است (همان، ص ۱۱۴-۱۱۸؛ همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۹).

زمخشری در تفسیر آیه (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ) می‌نویسد: «محبت به خدا تعلق نمی‌گیرد و خدا محبوب بشر واقع نمی‌شود... پس اطلاق محبوب بر او مجاز است» (زمخشری، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۲۳). استاد در نقد وی می‌نویسد: «تفسیر قرآن صرفاً به زبان عرف و نحو و صرف و ادبیات محاوره‌ای، بدون شناخت زبان خاص قرآن، چنین پیامدهای منفی را به دنبال دارد... این الفاظ در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند و خدا برای هر کسی به اندازه معرفت او «محبوب» و «مروهب» است» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۴۰-۴۱؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۱-۲۳).

۴. مراحل تفسیر یک آیه

الف. مفردات آیه: شرح برخی واژگان دشوار فهم آیه، با استناد به منابع واژه پژوهی کهن و متأخر.
 ب. تناسب آیات: یکی از امتیازات این تفسیر، توجه ویژه به انسجام درونی آیات در سوره‌ها و اختصاص عنوان «تناسب آیات» در میان مباحث تفسیری است که دربردارنده بیان پیوند هر آیه با آیه یا آیات پیشین، گاه ربط آن با آیه یا آیات پسین است تا انسجام زنجیره‌وار آیات در سوره به درستی بیان شود.
 ج. مباحث تفسیری: در این قسمت، معارف تفسیری آیه آمده است. مباحثی که از «سیاق آیه» یا از «سیاق آیه با آیات دیگر» (ساختار کلان کلام و چیدمان واژگان و جملات) برداشت می‌شود.

د. اشارات و لطائف؛ یعنی مباحثی پیرامون آیه که با آن ارتباط ظاهری تنگاتنگی ندارند؛ بلکه گاه از مدالیل التزامی (بالمعنی الأعم یا غیر بین) به شمار می‌آیند. توان تحلیل عالمانه و اشراف استاد بر علوم عقلی و نقلی به خوبی در این بخش مشهود است. برای نمونه، درباره «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌نویسد: این جمله از زبان عبد، بسان «کن» از مقام فرمانروائی مولای اوست؛ همان‌گونه که حضرت نوح علیه السلام با اسم خدا بر طوفان امواج کوه‌سان تسلط یافت و کشتی او با نام خدا آرام گرفت: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا» (هود: ۴۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۳).

در جای دیگری می‌نویسد: «گناه نقص و امر عدمی به شمار می‌رود، پس به خدای سبحان ارتباطی ندارد. خاستگاه معاصی، جهل یا عجز یا دیگر امور عدمی است و هیچ یک به خدا نسبت داده نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۴۵). درباره نسبت «سَبِيلَ الْغَىِّ» با «صراط مستقیم» می‌نویسد: نسبت آن دو تضاد نیست؛ بلکه تقابل عدم و ملکه است؛ یعنی یکی بود صراط است و دیگری نبود آن (همان، ص ۵۲۶).

و. بحث روائی: نقل و نقد روایات تفسیری و تبیین آن‌ها در زمینه هماهنگی یا ناسازگاری با محتوای آیه و داوری درباره روایات ناهمگون. دسته بندی روایات تفسیری با عنوان‌گذاری خاص، نیز تحلیل فقه الحدیثی با عنوان «اشاره» نشانگر دیدگاه‌های دقیق مفسر در استفاده از روایات است. همچنین در تشریح هماهنگی محتوای آن‌ها با آیه یا تبیین علت مخالفت ظاهری برخی روایات با آیه، در تفاسیر پیشین بی‌نظیر است.

برخلاف کم‌میلی علامه طباطبائی علیه السلام به روایات شأن نزول، استاد بزرگوار به آن‌ها توجه داشته و مبنای تعدد سبب نزول را باور دارد و بیشتر روایات تفسیری را از باب تطبیق مصداقی و از نوع جری می‌داند (همو، ۱۳۸۰، ج ۶ ص ۵۱۰ و ج ۹، ص ۶۳۸ و ج ۵، ص ۶۱۲ و ۶۴۰). او معتقد است بسا روایتی بیانگر باطن قرآن و در مقام ذکر مصداق باطنی قرآن باشد (همو، ۱۳۸۰، ج ۶ ص ۵۱۱؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۶-۲۷).

نگاهی به دستاوردهای علمی و تأثیرات حضور قرآنی استاد جوادی در حوزه: «تسنیم» مهم‌ترین اثر قرآنی استاد و برگرفته از آیه (وَمِزَاجُهُ مِنَ التَّسْنِيمِ) (مطففین: ۲۷) و از ریشه «سن‌م» به معنای بلندی و برتری (احمدبن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۷) و نام چشمه‌ای بهشتی است که سرچشمه شراب طهور ویژه مقربان درگاه الهی (برترین بندگان خدا یعنی معصومان و مخلصان علیهم السلام) است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۳۹).

«تسنیم» از تفاسیر اجتهادی قرن پانزدهم و برآمده از درس تفسیر ترتیبی روزانه قرآن مجید ایشان است. استاد به صورت رسمی در پاییز سال ۱۳۶۳ خورشیدی آن را در جمع مشتاقان قرآن در حوزه علمیه قم آغاز کرد و شروع درس تفسیر را بر اثر نفع‌های ملکوتی می‌داند (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۵۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۵۱-۴۵۲). این درس خارج تفسیر استاد ۳۶ سال طول کشید و سرانجام در ۲۹ فروردین ۱۳۹۹ پس از برگزاری حدود پنج هزار جلسه به پایان رسید. البته تفسیر نیمه پایانی جزء ۳۰ قرآن هنگامی که دروس حوزه به دلیل شیوع

بیماری کرونا تعطیل شد، بدون حضور شاگردان در ۴۸ جلسه، (از اسفند ۹۸ تا فروردین ۹۹) ضبط شد و در سامانه اسراء بارگذاری شد (مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۴-۲۵).

در سال ۱۳۷۲ مؤسسه اسراء با هدف تنظیم و نشر آثار آیت‌الله جوادی آملی تأسیس شد و دروس تفسیری استاد به دست توانای شاگردانش تحقیق و تدوین و غنی‌سازی و تنظیم نهائی و پس از تأیید استاد چاپ شد. تاکنون ۶۸ جلد از تفسیر تسنیم به چاپ رسیده است. شاید شمار مجلدات به ۸۰ یا بیشتر برسد.

علاوه تفسیر ترتیبی قرآن استاد در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۲ به «تفسیر موضوعی» نیز پرداخت و برای هر موضوع تقریباً ۶۰ جلسه درس برگزار کرد. این دروس تفسیر موضوعی، به تدریج در ۱۸ مجلد با عناوین زیر به چاپ رسید:

قرآن در قرآن (ج ۱)، توحید در قرآن (ج ۲)، وحی و نبوت در قرآن (ج ۳)، معاد در قرآن (ج ۴ و ۵)، سیره پیامبران در قرآن (ج ۶ و ۷)، سیره رسول اکرم (ج ۸ و ۹)، اخلاق در قرآن (ج ۱۰ و ۱۱)، فطرت در قرآن (ج ۱۲)، معرفت‌شناسی در قرآن (ج ۱۳)، صورت و سیرت انسان در قرآن (ج ۱۴)، حیات حقیقی انسان در قرآن (ج ۱۵)، هدایت در قرآن (ج ۱۶)، جامعه در قرآن (ج ۱۷)، ادب توحیدی انبیاء در قرآن (ج ۱۸).

ویژگی‌های تفسیر تسنیم

تفسیر تسنیم در ارائه مباحث، دارای ساختاری منظم، همچنین به لحاظ محتوایی ویژگی‌های برجسته‌ای دارد:

۱. نخستین مخاطبانش فارسی‌زبانان هستند، از این رو به فارسی نگارش یافت، چون زمینه‌ای برای بهره‌گیری گسترده‌تر فارسی‌زبانان را در پی دارد.
۲. در آغاز هر سوره شناسنامه‌ای برای شناساندن سوره با عنوان «پیشگفتار» آمده است؛ برخی عناوینش مانند «جو نزول و فضای نزول = تبیین اوضاع و ویژگی‌های زمان نزول کل قرآن و سوره خاص» در تفاسیر پیشین کم نظیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۵ و ج ۲، ص ۳۷-۶۲ و ج ۳، ص ۴۰-۴۴). همچنین برخی موضوعات علوم قرآن و دیدگاه مفسر درباره آن‌ها بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶ و ج ۵، ص ۲۹۳).
۳. بر خلاف تدریس استاد که آیات در قالب رکوعات تفسیر می‌شود، در تدوین به هر آیه‌ای جداگانه می‌پردازد. این تفکیک، دسترسی به مباحث تفسیری هر آیه را آسان می‌کند؛ هر چند گاه به دلیل پیوستگی معنایی، چند آیه را کنار هم یاد می‌کند:

الف. آنجا که دو یا چند آیه، با هم پیوند تنگاتنگ لفظی یا محتوایی داشته باشند.

ب. در آیات کوتاه و آیاتی که مباحث تفسیری آن‌ها پیش‌تر گذشته است.

۴. مفسر از حدود سی تفسیر از شیعه و عامه و برخی منابع واژه پژوهی قرآنی استفاده کرده است. از جمله:

الف. تفاسیر اهل تسنن: طبری (جامع البیان)، زمخشری (الکشاف)، فخر رازی (التفسیر الکبیر)، قرطبی (الجامع)، آلوسی (روح المعانی) و عبده (المنار).

ب. تفاسیر شیعه: علی‌بن‌ابراهیم قمی (تفسیر قمی)، عیاشی (تفسیر عیاشی)، شیخ طوسی (التبیان)، امین الاسلام طبرسی (مجمع البیان)، فیض کاشانی (الصادق)، سید هاشم بحرانی (البرهان)، حویزی (نور الثقلین) و محمدحسین طباطبائی (المیزان) و جواد بلاغی (الاء الرحمن).

۵. تسنیم تفسیر ترتیبی قرآن است؛ ولی بر اثر گستردگی و جامعیت برخی مباحث، به ویژه در مجلدات نخست تا اندازه‌ای چهره «تفسیر موضوعی» به خود گرفته است؛ مانند «خلافت انسان کامل» که تمامی جلد سوم را به خود اختصاص داده است.

۶. چیدمان مباحثش از این قرار است: گزیده تفسیر؛ شرح مفردات؛ تناسب آیات؛ تفسیر مستقیم آیه؛ اشارات و لطائف؛ بحث روائی.

۷. بر خلاف تفاسیر کهن که مطالب گوناگون را بدون عنوان عرضه کرده‌اند، در تسنیم افزون بر عناوین ثابت و مشترک در همه آیات، برای تک‌تک مباحث زیرشاخه هر یک، عنوان جداگانه‌ای ثبت شده است.

۸. مهم‌ترین شاخص محتوای تسنیم، روشمند بودن آن است، چون مفسر با پایبندی به مبانی و قواعد خاص به تفسیر آیه می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۵-۳۳۱).

۹. مباحثی که در تفاسیر پیشین به اجمال آمده، در تسنیم با تشریح و تفصیل و تعلیل بیان شده است.

۱۰. شیوه تفسیر قرآن با قرآن، در تسنیم گسترش یافته است.

۱۱. تسنیم در دوران حاکمیت نظام اسلامی نگاشته شده و توجه به نیازهای حکومت دینی در آن به روشنی مشهود است.

۱۲. در تفسیر آیات الأحکام مباحث مشروح فقهی و تفسیر آیات عقیدتی (اثبات توحید و اسما و صفات الهی) تقاریر خوبی بدون کاربست اصطلاحات عرفان آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۹).

۱۳. پرداختن به نقد و بررسی و پاسخگویی به شبهات نوظهور که در دوران پیشین نبود یا چندان رواج نداشت (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۹). نمونه‌هایی از این ویژگی: پلورالیسم دینی (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۳۹ و ج ۶، ص ۲۱۰-۲۱۵ و ج ۱۴، ص ۷۳۷) و سکولاریزم (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۹) و تساهل و تسامح (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۳۹۸ و ج ۱۵، ص ۴۳۷ و ۴۴۸) و اصل تنازع بقا (همو، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۷۲۴-۷۳۹) و نظریه تحول انواع و تکامل داروینی (همو، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۳۰ و ج ۱۴، ص ۴۲۹ و ج ۱۷، ص ۱۴۳، ۱۵۷).

۱۴. آزاداندیشی و نقد آرای مفسران پیشین و معاصران، همراه با عفت قلم و ادب و انصاف و پرهیز از نقد گزنده. (ر.ک: علی مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۵-۲۹)

تشابهات و تمایزات المیزان و تسنیم

استاد از برجسته‌ترین شاگردان مکتب تفسیری علامه طباطبائی^ع است و تسنیم در بسیاری از مباحث تفسیری به

المیزان نظر دارد. استاد بزرگوار بارها از ایشان به عظمت یاد کرده (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۹، ۲۳۱، ۲۸۳ و ج ۱۰، ص ۳۰۸) و المیزان را ستوده است (جمعه: ۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۲). دفاع از المیزان نیز در موضعی از تسنیم به روشنی مشهود است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۰). استاد تسنیم را «المیزان فارسی» می‌داند، نه «فارسی المیزان» (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۶۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۸؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۹-۳۰).

الف. تشابهات

۱. روش تفسیری قرآن با قرآن را که پیشینیان به گونه اندک یا اشاره‌وار بدان پرداخته بودند، علامه طباطبائی * محور تفسیر خودش قرار داد. «تسنیم» نیز بیش‌تر، از همین روش بهره برده است.

۲. هر دو مفسر، قرآن را در اصل حجیت و دلالت، مستقل و دلالت و حجیت آن را نیازمند به غیر نمی‌دانند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲). هردو مفسر روایاتی را که به تعیین مصداق و تطبیق پرداخته‌اند، از نوع «جری» دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷).

۳. هر دو از تفاسیر و جوامع حدیثی عامه تسنن استفاده کرده و غالباً روایات را بدون سند آورده‌اند.

۴. در هر دو تفسیر مباحث موضوعی متعدد و مفیدی وجود دارد: یوم در قرآن (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۲۳۲ و ۲۳۶ و ج ۵، ص ۲۹۳) و قرآن و عزت (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷) و حیات در فرهنگ قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۸۹) و مناسک حج (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۹).

۵. بر پایه حدیث ثقلین، در نگاه هر دو مفسر تمسک به قرآن یا سنت بدون دیگری در حقیقت ترک هر دو ثقل اکبر و اصغر به شمار می‌آید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷). مراد هر دو مفسر از سنت هر چیزی است که به معصوم منسوب باشد؛ اعم از عدم ردع و تقریر معصوم یا سکوت یا فعل و قول (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶ و ج ۵، ص ۲۹۳). به اعتقاد آن دو، سنت دو نوع قطعی و غیرقطعی دارد و سنت قطعی به عرض بر قرآن نیازمند نیست، زیرا از مقام عصمت قطعی صادر شده و به خدا منسوب است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶، ج ۵، ص ۲۹۳).

۶. به تعبیر هر دو مفسر روایات قطعی الصدور مانند آیات، هرگز از موضوع مُحال سخن نمی‌گویند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲). نسبت قرآن به سنت، مانند نسبت قانون اساسی به قوانین دیگر است. قرآن حکیم عهده‌دار تبیین خطوط کلی معارف و احکام دین است و تبیین جزئیات و شیوه اجرای آن، رسالت رسول خدا ﷺ و امامان علیهم‌السلام است؛ مانند اصل وجوب نماز که در قرآن آمده و احکام جزئی آن را امامان بیان کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷).

۷. هر دو با محوریت روش تفسیری «قرآن با قرآن» سامان یافته؛ ولی پایان‌بخش مباحث تفسیری، بخش

مستقلی با عنوان «بحث روائی» دارند که به شرح و تفسیر روایات می‌پردازد و امتیاز تسنیم به شمار می‌رود. استاد در پیشگفتار، دلیل تفکیک آن را بیان کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷).

ب. تمایزات

از سوی دیگر، تفاوت‌های این دو نیز چشمگیر است و استاد گاه به نقد دیدگاه استادش می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶، ج ۵، ص ۲۹۳). در «تسنیم» هر آیه در فصلی جداگانه آمده که دسترسی به مباحث تفسیری آیه را آسان‌تر می‌کند؛ ولی در المیزان آیات به گونه رکوعی و مجموعه‌ای تفسیر شده است. همچنین «تسنیم» در عصر برپائی نظام اسلامی استوار بر معارف شیعه تدوین شده و مباحث سیاسی و حکومتی در این تفسیر پررنگ‌تر است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲).

۱. از نکات برجسته این تفسیر تبیین جایگاه هر یک از ثَقَلِ اکبر و ثَقَلِ اصغر و چگونگی ارتباط آن دو با یکدیگر در تفسیر قرآن است؛ مسلکی که در نوع تفاسیر شیعی از این منظر به آن پرداخته نشده است و از امتیازات تسنیم به شمار می‌رود.

۲. از نوآوری‌های محتوایی این تفسیر پرداختن به شبهات استقلال قرآن در تفسیر و پاسخ آن‌ها؛ ترسیم صحیح اقسام تفسیر و چگونگی ارتباط اقسام با یکدیگر؛ تبیین اقسام تفسیر به رأی؛ بررسی و جمع‌بندی روایات درباره فهم قرآن؛ بررسی ویژگی‌های اعتبار و حجیت سنت؛ بررسی شاخه‌های تفسیر قرآن با قرآن؛ تسنیم تفسیر قرآن با قرآن به «ظاهر با ظاهر» و «باطن با باطن»؛ چگونگی پیوند قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام؛ نقش علوم تجربی و معارف برون دینی در تفسیر قرآن؛ تبیین معیار «دینی بودن» یک مطلب؛ هرمنوتیک و تأثیر انتظار از متن در تفسیر آن متن؛ تأثیر آرای مفسران و شأن نزول در تفسیر؛ تفاوت «جو □ نزول» و «فضای نزول» و «شأن و سبب نزول».

اما از سویی، تسنیم با کاستی‌هایی نیز روبه‌رو است:
۱. حجم کمی مجلدات تسنیم فراتر از میزان متعارف است و با اندکی تلخیص و پرهیز از درازنویسی و تغییر فونت‌ها، می‌توان آن را به نصف تقلیل داد.

۲. گاه عبارات عربی در متن تفسیر آمده که منبع آن مشخص نیست؛ بسا این عبارات روایت تلقی شود یا نقل سینه به سینه آن، مشکلاتی را پدید آورد. دو عبارت «القرآن غریم لایقضی دینه و غریم لایؤدی حقه» و «تُعَرَفُ الاشیاء بأضدادها» نمونه‌هایی از این دست است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۰۷).

۳. گاه سخنی را از مفسری نقل می‌کند؛ ولی نام او را نمی‌برد (همو، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۳۴۷ و ص ۳۴۳).

۴. در این تفسیر عبارات‌های فنی دیده می‌شود که درک آن ویژه کسانی است که با آن رشته خاص آشنائی دارند (همو، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۵۱۰).

۵. در پیشگفتار تسنیم به پاره‌ای موضوعات علوم قرآن پرداخته، از موضوع مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها و نقش آن در فهم مراد آیات عبور کرده و به ندرت در متن تفسیر از آن یاد کرده است (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۲، ۱۳۳).

۶ مجلدات تسنیم همسان نیست. جلد یکم و دوم و چهارم فهرست منابع ندارد و جلد سوم فاقد فهرست تفصیلی است؛ ولی جلد چهارم فهرست تفصیلی دارد و در مجلدات پسین، فهرست تفصیلی حذف شده است.

نتیجه‌گیری

آیت‌الله جوادی آملی مفسری ژرفاندیش و جامع علوم عقلی و نقلی و شهودی است. وی با الگوگیری از سخن و سیره استاد بزرگوارش علامه طباطبائی^ع مبنی بر مهجوریت زدائی از ساحت قرآن حکیم و معارف بی‌مانند آن، نیز تلاش مستمر و کم‌نظیرش، مائده معارف ناب قرآن و عترت^ع را در حوزهٔ علمیهٔ قم گستراند و شاگردان و مفسرانی را در مکتب خودش پروراند و ده‌ها اثر علمی به مشتاقان عرضه کرد. تفسیر عظیم تسنیم و تفسیر موضوعی قرآن در ۱۸ عنوان مهم‌ترین آثار ایشان در حوزه علوم نقلی است. وی با بهره‌مندی از بیانی شیوا و لحنی دلنشین و محتوایی ممتاز، دل‌های طلاب و علاقمندان به آموزه‌های قرآن مجید را سوی خودش جلب کرد و در سده اخیر، در رسمیت بخشیدن به درس تفسیر قرآن در حوزهٔ علمیهٔ قم و رشد و توسعه علوم نقلی و تربیت شاگردان برجسته و استادان فرهیخته نقش مهم و تأثیر بسزائی داشته است.



منابع

نهج البلاغه، ترجمه آزاد.

- ابن ابی جمهور احسایی، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی الثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تحقیق سید مرعشی و مجتبی عراقی، قم، للنشر. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۲۲۲، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابوطبره، هدی جاسم محمد، ۱۴۰۵ق، *المنهج الأثری فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر تبلیغات.
- احمد بن فارس، ابوالحسین، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الإعلام الاسلامی.
- انوری، حسن و دیگران، ۱۳۸۱، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- الوسی، علی، ۱۳۸۱، *روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان*، ترجمه سیدحسین میرجلیلی، تهران، بین الملل.
- بابائی، علی اکبر، ۱۳۸۱، *مکاتب تفسیری*، تهران، سمت.
- پیروزفر، سهیلا و زهرا طالبی، ۱۳۹۴، «بازخوانی تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی»، *حسنا*، ش ۲۴، ص ۱۶۷-۲۰۷.
- تفضلی، محمدامین و مجید معارف، ۱۳۹۷، «روش تفسیری قرآن به قرآن در آراء آیت‌الله جوادی آملی»، *سفینه*، ش ۶۰، ص ۳۳-۵۷.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۱، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۲، *مهر استاد، سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۲، *نزاهت قرآن از تحریف*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۶، *سرچشمه اندیشه*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۸، *الوحي والنبوة*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۸، *قرآن حکیم از منظر امام رضا*، ترجمه زینب کربلائی، قم، اسراء.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی آملی»، *مطالعات قرآن و حدیث* ش ۱۲، ص ۱۰۱-۱۷۹.
- حیدری فر، مجید، ۱۳۹۴، *مهندسی فهم و تفسیر قرآن*، قم، بوستان کتاب.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، دوستان.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۳۹۱ق، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق یوسف مرعشی، بیروت، دار المعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۳۰ق، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سزوار، مولاهادی، ۱۳۸۶، *شرح المنظومه*، تهران، شریعت.
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۲، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شجریان، مهدی، ۱۳۹۶، «اصول روش تفسیری آیت‌الله جوادی آملی»، *علوم قرآن و تفسیر معارج*، ش ۱، ص ۵۹-۸۴.
- صفا، محمد بن حسن، ۱۴۳۰ق، *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد*، تحقیق کوچه باغی، تهران: مؤسسه الأعلمی.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- علی اکبر دهخدا و دیگران، ۱۳۷۳، *لغت نامه*، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران.
- علی اسلامی، ۱۳۸۸، «تسنیم ستام معرفت قرآن»، *حکمت اسراء*، ش ۱، ص ۱۰۵-۱۲۸.
- فضل حسن عباس، ۱۴۲۷ق، *المفسرون مدارسهم و مناهجهم*، اردن، دار النفاثس.
- متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، تحقیق بکری حیانی، بیروت، صفوة الصفا، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مدبر، علی، ۱۳۹۶، «مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی»، *علوم قرآن و تفسیر معارج*، ش ۵، ص ۳۳-۳۵.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- مصطفی مسلم، ۱۴۱۵ق، *مناهج المفسرين*، ریاض، دار المسلم.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۸ق، *التفسیر و المفسرون*، مشهد، الجامعة الرضویة.
- معین، ۱۳۷۵، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر.